



FSC



PEFC

Paper from well managed
forests and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.

تروریسم سعودی

تروریسم سعودی

پیرکونسا

ترجمهٔ اعظم ورشوچی فرد / سیامک دل آرا



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: کونسا، پیر، conesa, Pierre

عنوان و نام پدیدآور: تروریسم سعودی / پیر کونسا / ترجمه سیامک دل آرا، اعظم ورشوچی فرد

مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۵۴۳-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The saudi terror machine: the truth about radical is-lam and saudi arabia revealed, 2018

موضوع: وهابیه -- عربستان سعودی / وهابیه -- دفاعیه‌ها و ردیه‌ها

رده‌بندی کنگره: DS ۲۴۴

رده‌بندی دیویی: ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۴۶۸۳۹



تروریسم سعودی

ترجمه: سیامک دل آرا / اعظم ورشوچی فرد	پیر کونسا
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه	آماده‌سازی و تولید:
چاپ و صحافی: کهنمویی‌زاده	طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۳۹۸، ۱۱۰۰ نسخه	

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.

هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴

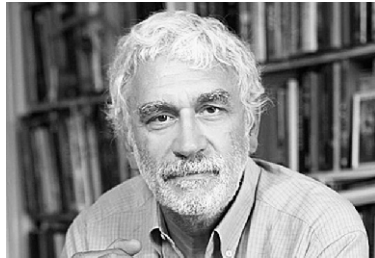
طبقه سوم، تلفن، ۶۶۴۷۷۴۰۵

www.parsehbook.com / info@parsehbook.com

[@ketabeparseh](https://www.instagram.com/ketabeparseh)

فروشگاه: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به خیابان مطهری، پلاک ۱۹۴۱

تلفن: ۸۸۹۱۸۹۴



پیر کونسا پیش‌تر مدیر کمیته اطلاعات راهبردی اروپا، مدیر آنالیز و ارزیابی مرکز مطالعات دفاع فرانسه و نیز مشاور وزیر دفاع این کشور بوده است. او همچنین معاونت ژان برنارد اورو (نماینده شخصی وزیر دفاع) در امور صادرات تسلیحات طی سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ را برعهده داشت. تدریس در مرکز آموزش عالی ایکول و نوشتن مقالات در حوزه روابط بین‌الملل برای نشریه لوموند دیپلماتیک، از دیگر سوابق پیر کونسا است.

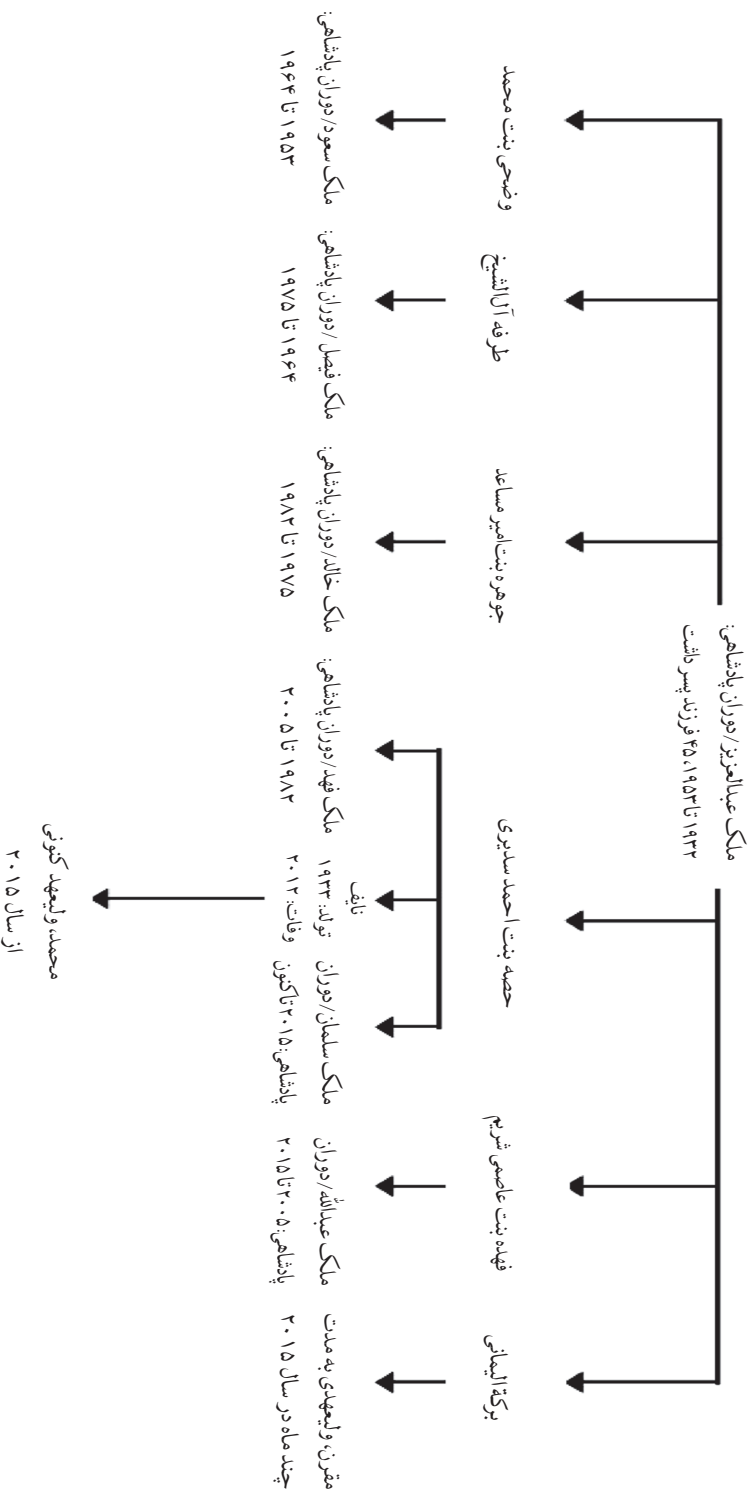
از دیگر آثار او:

شالوده هرج و مرج: مکتب فکری جورج بوش، تکثیر [سلاح‌های هسته‌ای]
و تروریسم؛ راه بهشت؛ و دشمن‌تراشی

فهرست

۱۱	پیش‌گفتار
۱۷	مقدمه
۲۹	فصل اول: دیپلماسی مذهبی نهفته در ژن رژیم سعودی
۴۱	فصل دوم: بنیانگذاری نظام
۵۳	فصل سوم: آیا وهابیت و سلفی‌گری در یک جبهه می‌جنگند؟
۱۴۱	فصل چهارم: تحول دیپلماسی مذهبی: ضدیت با تشیع و کمونیسم
۲۲۹	فصل پنجم: انفجار ریزمهمات
۲۵۵	نتیجه‌گیری
۲۶۱	ضمیمه ۱
۲۶۵	ضمیمه ۲
۲۷۵	پی‌نوشت

خاندان آل سعود



«فکر می‌کنم سعودی‌ها با تأمین مالی مدارس مذهبی در سرتاسر جهان اسلام، معضل خود را به بقیه کشورهای صادر کردند و این موضوع یکی از فجایع این داستان است. دولت عربستان دو جناح داشت؛ بدنه اصلی رهبری در این کشور به موضوعات مالی و دفاعی می‌پرداخت و قصد داشت از طریق کنترل نخبگان، حمایت آن‌ها را کسب کند. این رهبران هدایت بقیه نهادها از جمله وزارتخانه‌هایی را که به امور مذهبی و آموزشی می‌پرداختند بر عهده بنیادگراترین افراد گذاشتند و به این ترتیب باعث ایجاد انشعاب شدند. پس می‌توان گفت دولت عربستان، طی این مدت، سیاست‌های متناقضی را دنبال می‌کرد. این دولت از یک طرف سعی داشت از طریق افراد فرهیخته و تحصیل کرده‌ای همچون وزیر امور خارجه و سفیر خود در ایالات متحده - که افکار فراملی داشتند - با غرب تعامل داشته باشد و از طرف دیگر با استفاده از درآمدهای هنگفت نفتی، هزینه مالی نظام آموزشی را تأمین کند که آموزه‌های آن، مطابقت چندانی با تعالیم قرآنی ندارد.

ریچارد هالبروک

سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل

(او در جریان این مصاحبه که در سال ۲۰۰۱ انجام شد، بی‌پرده در مورد ماهیت رژیم سعودی

سخن گفت.)^(۱)

پیش‌گفتار

به قلم اوبر ودرین^۱

بیش از هفتاد سال است که عربستان جایگاهی مهم در اقتصاد نفت و جغرافیای سیاسی جهان دارد. این کشور از زمان دیدار تاریخی ملک عبدالعزیز با فرانکلین روزولت^۲ در عرشه کشتی کوئینسی^۳، هنگام بازگشت رئیس‌جمهور آمریکا از کنفرانس یالتا^۴، اهمیت جهانی پیدا کرد. از این رو خواندن کتاب پیر کونساه^۵ برای درک بهتر وضعیت این کشور و نظام حاکم بر آن و همچنین فهم جهان‌بینی و سیاست‌های مقامات آن ضروری است.

۱. Hubert Vedrine، وزیر خارجه فرانسه بین سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۲ (تمام پانویس‌های

کتاب از مترجم است)

۲. Franklin Roosevelt، سی و دومین رئیس‌جمهور آمریکا، دموکرات

3. Quincy

۴. Yalta Conference؛ این کنفرانس در فوریه ۱۹۴۵ با حضور روزولت، چرچیل و استالین،

یعنی رهبران کشورهای متفقین شامل ایالات متحده، انگلیس و شوروی، در شهر یالتا واقع در شبه‌جزیره کریمه برگزار شد.

5. Pierre Conesa

از زمان تأسیس پادشاهی سعودی، هفت پادشاه بر این کشور حکومت کرده‌اند. باروی کار آمدن ملک سلمان که در ۲۳ ژانویه ۲۰۱۵ جایگزین ملک عبدالله شد، نیاز به درک وضعیت عربستان بیش از پیش احساس می‌شود، زیرا سؤال‌های جدیدی در مورد عربستان به ذهن خطور می‌کند که پیش از این مطرح نبوده است، خصوصاً در مورد نقشی که این کشور در دهه‌های اخیر در ترویج فرقه بنیادگرای وهابیت ایفا کرده است. در عین حال، عربستان با پیامدهای داخلی سیاست نفتی خود و همچنین بازگشت اجتناب‌ناپذیر ایران به عرصه بین‌الملل مواجه است. بنابراین آگاهی از اینکه عربستان، صرف‌نظر از واکنش‌های مقطعی، چگونه در بلندمدت به این موارد واکنش نشان خواهد داد، ضروری است. پیر کونسا در این کتاب به‌طور خاص به تحلیل «دیپلماسی مذهبی» عربستان پرداخته است. عموماً چنین فرض می‌شود که ترویج دین به این شیوه در ژن رژیم عربستان نهفته است و هم تعلیم و هم تبلیغ را شامل می‌شود. کونسا ابایی ندارد که بگوید در نگارش این کتاب، روشی کاملاً انتقادی در پیش گرفته است. به نظر او، وهابیت و سلفی‌گری با هم مرتبط هستند و او آن‌ها را نوعی ایدئولوژی سیاسی «اقتدارگرا» می‌داند که برای مقابله با ملی‌گرایی اعراب، تشیع، ایران و دموکراسی و حقوق بشر در غرب به کار گرفته می‌شود.

تحلیل کونسا از تاریخ «دیپلماسی مذهبی» عربستان، همواره انتقادی است. او در این کتاب، دیپلماسی مذهبی عربستان را در افغانستان (هم پیش از اشغال به‌دست شوروی و هم پس از آن) و سایر حوزه‌های عملکردش، از جمله کشورهای منطقه، کشورهای اقلیتی مسلمان دارند، یوگسلاوی سابق، شوروی سابق، کشورهای اروپا و آمریکای شمالی و همچنین استرالیا، مورد بررسی قرار می‌دهد. تحولات و ناآرامی‌های بیست سال اخیر و قدرت فزاینده سلفی‌ها در بسیاری از نقاط جهان موجب شده تا او عربستان سعودی را به دکتر جکیل^۱ تشبیه کند که توسط

۱. Dr. Jekyll، شخصیت اصلی رمان دکتر جکیل و آقای هاید اثر رابرت لوئیس استیونسون. این رمان، دکتر جکیل موفق به کشف دارویی می‌شود که در اثر مصرف آن، شب‌ها به آقای هاید، انسانی مخوف و غیرقابل کنترل، تبدیل می‌شود.

شخصیت پنهان خود، آقای هاید^۱، به حاشیه رانده می‌شود.

درست است که پیر کونسا ساختار داخلی وهابیت عربستان را مورد بررسی قرار داده است ولی بُعد خارجیِ قدرت نرم ایدئولوژیک این کشور در عرصهٔ بین‌الملل برای او جالب‌تر بوده است. مشروعیت رویکرد او را نمی‌توان زیر سؤال برد زیرا معاملات جهان امروز بدون در نظر گرفتن روابط مبتنی بر قدرت متعارف بین کشورها، نهادهای بین‌المللی و کانون‌های مالی و همچنین اشکال مختلف قدرت نرم، غیر قابل درک است. به عنوان مثال، ایالات متحده دارای قدرت نرم در سطح بین‌المللی است (جوزف نای^۲ استاد و اندیشمند علوم سیاسی اهل آمریکا، با استناد به این موضوع، پیشنهاد می‌کند از قدرت ایالات متحده به روشی پیشرفته‌تر استفاده شود). قدرت نرم رژیم اسرائیل را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. از آنجا که قدرت نرم با موازنهٔ قدرت همخوانی نداشت، اتحادیهٔ اروپا امیدوار بود چنین قدرتی داشته باشد ولی بعد دچار تردید شد. فرانسه نیز گمان می‌کند از طرق مختلف، از جمله ترویج زبان فرانسه، قدرت نرم خود را حفظ کرده است. روسیهٔ تحت زعامت پوتین امیدوار است از طریق اتحاد با کلیسای ارتدوکس چنین قدرتی را کسب کند (هر وقت پوتین از کوه آتوس^۳ دیدار می‌کند، سخن از دیپلماسی مذهبی به میان می‌آید). قدرت نرم واتیکان نیز نیازی به توضیح ندارد. دلایلی لایمّا^۴، سازمان‌های مردم‌نهاد، چینی‌ها، ایرانی‌ها و آفریقایی‌هایی که جلای وطن کرده‌اند و سایر گروه‌های لابی‌گری همگی از قدرت نرم برخوردارند. بنابراین تجزیه و تحلیل موقعیت عربستان از این منظر، و نه صرفاً از لحاظ موقعیت این کشور در بازار نفت، کار عجیبی نیست.

کونسا با خلق این اثر، خلأ موجود در تحلیل سیاسی وضعیتی را پر می‌کند که روابط بین‌الملل را متحول ساخته است. تا جایی که من می‌دانم کتابی در این زمینه

1. Mr. Hyde

2. Joseph Nye

۳. Mount Athos، یکی از مقدس‌ترین اماکن مسیحیت واقع در شمال یونان

۴. Dalai Lama، رهبر بوداییان تبت

به زبان انگلیسی یا فرانسه به رشتهٔ تحریر درنیامده است.

این کتاب برای کشوری مانند فرانسه بسیار مفید است که به واسطهٔ سکولاریسم محض و پیشینهٔ خود، قادر به درک تداوم پدیده‌های مذهبی نیست؛ فرانسه‌ای که مدت‌هاست در این رابطه فقط به کلیات سطحی دربارهٔ اسلام، تشیع و تسنن، گفتگوی فرهنگ‌ها و غیره بسنده کرده است.^(۲)

این اثر منسجم - که شامل استدلال‌هایی قوی است - قطعاً با واکنش‌های شدیدی مواجه خواهد شد و ما را بر آن می‌دارد تا طبق خواستهٔ خالق اثر، به تجزیه و تحلیل موضوع ادامه دهیم.

لازم است تحقیقات بیشتری در مورد منشأ و عوامل اسلام‌گرایی مدرن و همچنین اشکال افراطی آن صورت بگیرد. آیا این تحقیقات صرفاً باید به عربستان و وهابیت محدود شود؟ بهتر نیست مطالعات خود را به کشورهای دیگر مثلاً برخی امیرنشین‌ها نیز تعمیم دهیم؟ نهادهای مذهبی مسلمانان چگونه؛ البته نه لزوماً آن‌هایی که با عربستان در ارتباط‌اند.

نگاهی کلی‌تر به این موضوع، این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه در دوران زمامداری اردوغان از این منظر متحول شده است؟ روند اسلامی کردن مجدد این کشور تا کجا پیش خواهد رفت؟ چرا کشورهای مسلمان خاورمیانه و آفریقا - که اغلب طرفدار اسلامی متفاوت و نه چندان افراطی هستند - اجازه می‌دهند به شدت تحت تأثیر این روند قرار بگیرند؟ آیا این موضوع به منابع کشورها مربوط می‌شود یا ایدئولوژی آن‌ها؟ تسلیم شدن مقام‌های سیاسی آن‌ها چگونه؟

پرسش دیگری که مطرح می‌شود این است: چرا برخی کشورهای مسلمان در مقام دفاع از اسلام میانه‌رو، بهتر از دیگران عمل می‌کنند؟ مراکش یکی از کشورهایی است که توانسته علاوه بر حفظ روابط نزدیک با عربستان سعودی، شعائر شاخهٔ مالکی را که یکی از زیرمجموعه‌های میانه‌رو اهل سنت محسوب می‌شود، به اجرا بگذارد. این کشور هم‌اکنون در حال تعلیم پیشوایان مذهبی برای منطقهٔ غرب آفریقا است.

پیش‌گفتار ■ ۱۵

دست‌آخر اینکه، آیا می‌توان مسیر تاریخ و آینده را هبرد مذهبی عربستان سعودی را پیش‌بینی کرد؟ آیا در آینده نیز می‌توان از این تحقیق انتقادی جالب که نتیجهٔ سال‌ها زحمت و کار گسترده است دفاع کرد؟ اکنون که با معضل داعش روبرو هستیم، آن‌هایی که سرنوشت عربستان در منطقهٔ خاورمیانه را در دست دارند - منطقه‌ای که به لحاظ تحولات ناشی از وضعیت نفت، بسیار متفاوت و در عین حال متشنج است - نمی‌توانند از طرح سؤالات مشابه شانه خالی کنند و خط مشی خود را تغییر ندهند. آینده، پاسخ این سؤالات را خواهد داد. ولی در این فاصله، خواندن این کتاب به ما کمک می‌کند درک بهتری از مخاطرات موجود داشته باشیم.

مقدمه

سهم اتباع عربستان از پیکارجویان خارجی که در افغانستان با ارتش سرخ شوروی مبارزه کردند، بیشتر از بقیه کشورهای بود (حدود پنج هزار نفر). همچنین پانزده نفر از نوزده تروریستی که حوادث یازده سپتامبر را رقم زدند اهل عربستان بودند و تعداد اتباع عربستانی که در زندان گوانتانامو نگهداری می‌شوند از اتباع سایر کشورها بیشتر است (۱۱۵ نفر از مجموع ۶۱۱ زندانی). عربستان از لحاظ تعداد جنگجویان خارجی عضو داعش در سوریه و عراق نیز در رتبه دوم قرار دارد (۲۵۰۰ عضو). این عده به واسطه علاقه وافرشان به جهاد، به عضویت داعش درآمده‌اند.^۱ قطعاً باید دلیلی برای اشتباه سیری‌ناپذیر اتباع عربستان به جهاد وجود داشته باشد. کاخ سفید بعد از حمله اول به مرکز تجارت جهانی (برج‌های دوقلو در نیویورک)،^۲ به بهانه اینکه پنج نفر از پانزده تروریست عامل این حمله، تبعه سودان بودند

۱. منظور، جهاد از منظر تروریست‌های سلفی است که قرائتی انحرافی از آن دارند. - م.

۲. انفجار کامیون حاوی مواد منفجره در زیرزمین برج شمالی در فوریه سال ۱۹۹۳ که به مرگ

شش نفر و زخمی شدن حدود هزار نفر دیگر منجر شد.

تصمیم گرفت به این کشور حمله کند. اما پس از حملات یازده سپتامبر در سال ۲۰۰۱، واشنگتن انگشت اتهام خود را به سمت ایران، عراق و کره شمالی نشانه رفت و نهایتاً افغانستان و عراق را اشغال کرد. این در حالی بود که در جمع عاملان این حمله، هیچ تبعه ایرانی، عراقی و اهل کره شمالی وجود نداشت. به راستی چه سرّی در این داستان عربستان نهفته است؟

جمعیت سلفی‌های کشورهای مختلف جهان بین پنجاه و شصت میلیون نفر است. از این تعداد، بیست تا سی میلیون در هند زندگی می‌کنند، پنج تا شش میلیون تبعه مصر هستند، ۲۷/۵ میلیون نفر در بنگلادش سکونت دارند و یک میلیون و ششصد هزار نفر اهل سودان هستند. جوامع سلفی در کشورهای دیگر به مراتب کوچک‌ترند: تونس (حدود ده هزار)، مراکش (هفده هزار)، اردن (هفت هزار)، فرانسه (هفده هزار) و آلمان (چهار هزار تا پنج هزار). به گفته منابع اطلاعاتی آلمان، در میان جنبش‌های اسلامی جهان، سلفی‌گری از رشد بیشتری برخوردار است. پرسش این است که آیا رابطه‌ای میان دیپلماسی مذهبی عربستان و گسترش سلفی‌گری وجود دارد؟ در این کتاب به تجزیه و تحلیل این موضوع خواهیم پرداخت. گفتنی است، تمرکز این کتاب بر الهیات نیست. کتاب‌های فراوانی وجود دارند که به خواننده کمک می‌کنند تا تفاوت میان وهابیت و سایر شاخه‌های اسلام را درک کنند، تفاوت میان سلفی‌گری خاموش^۱ و سلفی‌گری جهادی را تشریح می‌کنند یا به وجه تمایز تبلیغی‌ها و سلفی‌ها می‌پردازند. اما این کتاب چنین اهدافی را دنبال نمی‌کند زیرا محدود کردن تجزیه و تحلیل به حوزه الهیات، همان‌قدر بیهوده به نظر می‌رسد که بخواهیم بین کمونیسم مورد نظر کیم ایل سونگ^۲ و انور خوجه^۳ تمایز قایل شویم، کاری که زمانی ضروری به نظر می‌رسید. همچنین نوشته‌های

۱. Quietist Salafism، عنوانی که غربی‌ها در مورد سلفی‌هایی به کار می‌برند که از مداخله

مستقیم در امور سیاسی خودداری می‌کنند.

۲. Kim Il Sung، رهبر کره شمالی بعد از تأسیس این کشور در سال ۱۹۴۸

۳. Enver Hoxha، رهبر کمونیست آلبانی بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۸۵

تحلیلی بسیار جالبی در مورد پیچیدگی‌های خانواده سلطنتی عربستان وجود دارد که به سؤال‌های مختلف شما پاسخ می‌دهد، مثلاً اینکه شاهزاده نود و چندساله، در تلاش برای رسیدن به تاج و تخت موفق می‌شود یا رقیب صد و چندساله‌اش و یا اینکه شاهزاده‌ای جوان که فقط چهار سال دارد، به یکباره ظاهر می‌شود و نظام قبیله‌ای را برهم می‌زند و رقبای خود را از پیش رو برمی‌دارد.

این کتاب، تحلیلی از منظر علوم سیاسی و روابط بین‌الملل است و سعی دارد نشان بدهد که در این نظام دینی-قبیله‌ای، بین دیپلماسی دولتی که با هدف حفظ زمامداری آل سعود دنبال می‌شود و دیپلماسی مذهبی که به تبلیغ وهابیت می‌پردازد (که پیش از این سلفی‌گری نامیده می‌شد)، رابطه‌ای منطقی وجود دارد. رژیم آل سعود باید میان منافع خاندان حاکم که سبب شده این کشور به حامیان غربی‌اش اتکایی غیرمعمول داشته باشد، و آمال تبلیغاتی سلسله‌مراتب وهابیت، تعادل برقرار کند. هر زمان رژیم آل سعود از کفار، یعنی دشمنان سرسخت علما، کمک خواسته است، خواهان حمایت علمای مذهبی این کشور شده است تا اقدام خود را توجیه کند. علمای مذهبی یا همان کارشناسان امور دینی وظیفه دارند با استناد به استدلال‌های غلط و غیرمنطقی، اطمینان حاصل کنند که نظام از متون و اصول مذهبی پیروی می‌کند. عملکرد آن‌ها در این زمینه، با یسوعی‌های^۱ کارگشته برابری می‌کند. پادشاه نیز در ازای این حمایت، به روحانیون (علمای مذهبی) اختیاراتی گسترده داده است تا جامعه را هدایت کنند و دیپلماسی مذهبی او را پیش ببرند. هر چقدر حمایت علما از رژیم واضح‌تر و پررنگ‌تر باشد، گرم و گشاده‌دستی پادشاه بیشتر می‌شود. بنابراین شاید پادشاه به غربی‌ها قول بدهد که کمک‌های مالی‌اش هدایی به گروه‌های افراطی را محدود کند، اما در عمل، ماهیت ترویج دین در سطح بین‌المللی را که همواره از حمایت مالی نامحدود برخوردار است تغییر نخواهد داد.

۱. Jesuits. فرقه‌ای مذهبی وابسته به کلیسای کاتولیک که خود را سرباز مسیح و پیاده‌نظام پاپ

در گذشته، مادامی که رژیم عربستان در جریان مقابله با گسترش کمونیسم و سوسیالیسم عربی مشکلی ایجاد نمی کرد، لزومی نداشت غرب میان رژیم آل سعود و دیپلماسی مذهبی ریاض تمایز قایل شود. اما آیا این موضوع در مورد عربستان که از لحاظ منابع مالی، بسیار غنی ولی از لحاظ جغرافیای سیاسی، ضعیف است هنوز امکان پذیر است؟ امروزه افراطی گری، در حال گسترش ریشه های فاسد خود در میان تمام ادیان اصلی جهان است (مسیحیت انجیلی به شیوه مدرن خود حول محور جورج دبلیو. بوش^۱ رئیس جمهور پیشین آمریکا ظهور کرده است، یهودی گری افراطی در سرزمین های اشغالی خودنمایی می کند، آیین هندو با به قدرت رسیدن حزب ناسیونالیست بهاراتیا جاناتا^۲ در هند قدرت نمایی می کند و حتی در میانمار، نسخه خشن آیین بودایی در حال گسترش است). اما اسلام افراطی گسترش خود را مدیون حمایت عقیدتی و مالی کشوری است که از منابع عظیم پولی و مشروعیت مذهبی بلامنازع سود می برد. البته عربستان اولین و تنها کشوری نیست که به ترویج وحدت اسلامی می پردازد. سودان در دوران حیات حسن الترابی^۳ که سازمان بین المللی دعوت^۴ را بنیان نهاد، «بهشت تروریسم» لقب گرفته بود. در ایدئولوژی اسلامی، هدف از دعوت، فراخواندن دیگران، چه مسلمان و چه غیرمسلمان، به پرستش خداوند - آن گونه که در قرآن و سنت پیامبر آمده - و همچنین اطلاع رسانی در مورد پیامبر اسلام است. اخیراً نیز قطر به طور وسیع و بی ملاحظه ای منابع مالی در اختیار سلفی ها قرار داده است. لیبی نیز در دوران زمامداری سرهنگ معمر قذافی^۵ دستور حمله گروه های اسلام گرا به اهدافی در خارج از مرزهای خود را صادر می کرد.

۱. George W. Bush، چهل و سومین رئیس جمهور آمریکا، جمهوری خواه.

2. Bharatiya Janata Party

۳. Hassan al-Turabi، رهبر اسلام گرای جبهه ملی اسلامی سودان که بعدها به کنگره ملی تغییر نام پیدا کرد.

4. International Organization for the Dawah

۵. Muammar Gaddafi، رهبر لیبی بین سال های ۱۹۶۹ و ۲۰۱۱